



رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگو با «ایران»:

تحریم‌ها ادامه می‌یافت چاره‌ای جز برقراری سیستم کوپنی نداشتیم

کشورهای محدودی از ما نفت می‌خریدند و ما مجبور بودیم در ازای آن از آن کشورها کالا وارد کنیم



عکس: علی محمدی / ایران

سیف در واکنش به کاربرد لفظ «تقریباً هیچ» در سفر امریکا: این طبیعی است که در مواجهه با طرف خارجی، کاستی‌ها و نواقص امر به ایشان تذکر داده شود و خواستار رفع این نواقص باشیم، اما این بدین معنا نیست که برجام امری اشتباه بوده است

یک بانک را معین کرده بودند این بانک‌ها خدمات به ایران را در انحصار خود داشتند و لذا تعرفه‌ها و مقررات را به میل خود تغییر می‌دادند و هزینه‌های بالایی را بر واردکنندگان ایرانی تحمیل می‌کردند. هیچ‌گونه مذاکره‌ای نداشتیم بعضاً این بانک‌ها خدمات خود را قطع می‌کردند یا تاریخی را برای قطع خدمات اعلام می‌کردند.

● در حال حاضر در حال گذران دوران پس‌برجام هستیم. دورانی که به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی کشور را با تحول بزرگی مواجه خواهد کرد. شاید به جرأت بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای برجام همین بهبود وضعیت اقتصادی کشور است. حداقل این انتظار در جامعه ایجاد شده است. به نظر شما برای حفظ تأثیر برجام بر اقتصاد کشور در منطقه و در نظام بین‌الملل، چه تغییراتی باید در رویکرد سیاست خارجی کشور ایجاد شود؟ به این معنی که سیاست خارجی کشور باید به چه سمتی پیش برود که رابطه اقتصاد و سیاست رابطه‌ای تعاملی باشد نه یک‌سویه؟

یکی از مباحث مهم اقتصادی که با سیاست خارجی و روابط بین‌الملل هم ارتباط تنگاتنگی دارد، ثبات است. رشد اقتصادی در شرایطی صورت می‌گیرد که بنگاه‌های اقتصادی بتوانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند. برنامه‌ریزی در شرایطی امکانپذیر است که بتوان قیمت‌ها، میزان عرضه، میزان تقاضا و تغییرات آنها را با اطمینان نسبی محاسبه کرد. البته در همه کشورها و در همه شرایط اقتصادی، تا حدودی ریسک وجود دارد و نمی‌توان ریسک‌ها را به صفر رساند. باین حال، لازم است ریسک‌ها و نوسانات در حد متناسب و معقولی باشند که امکان مدیریت آنها را به بنگاه‌های اقتصادی بدهند. طبیعی است در شرایطی که ایران در وضعیت تحریم قرار داشت و به طور مداوم بر تحریم‌های وضع شده علیه کشور افزوده می‌شد، بنگاه‌های اقتصادی بسختی می‌توانستند برای آینده برنامه‌ریزی کنند و برنامه‌های آنها کوتاه‌مدت و کوتاه‌مدت‌تر می‌شد. مجموعه اقداماتی که در دولت یازدهم انجام شد، این امکان را برای فعالان اقتصادی فراهم کرده است که در فضایی که از ثبات نسبی برخوردار است، تصمیمات اقتصادی خود را اتخاذ کنند و بتوانند برنامه‌های بلندمدت داشته باشند. از این رو، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور، حفظ ثباتی است که در پرتو تلاش‌های چند سال اخیر دولت محقق شده است و از این رو، باید برخورد مبتنی بر عقلانیت و جلوگیری از

[صاحب‌مذاق] یک سال پس از اجرای برجام وضعیت رفع تحریم‌های بانکی و گشایش‌های حاصله در نتیجه باز شدن مسیرهای نقل و انتقال مالی بیش از هر زمان دیگری مورد بحث محافل سیاسی و رسانه‌ای است. به اذعان مقامات اقتصادی و دیپلماتیک کشورمان تحریم‌ها اکنون در همه حوزه‌ها رفع شده و موانع تجارت و مبادلات برداشته شده است اما تنها در برخی حوزه‌های بانکی همچنان مشکلاتی وجود دارد. رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید در دوران تحریم، روابط بانکی ما محدود به معدودی کشورها می‌شد که تبادلات خود را با ما قطع نکرده بودند. وی می‌گوید در این دوران روابط ما تنها به حوزه فروش نفت بود که وجه حاصل از آن را به ارز ملی خود در حساب‌های مادر آن کشورها واریز می‌کردند و ما مجبور بودیم با همان وجه واردات کالا را فقط از همان کشورها داشته باشیم. سیف می‌گوید در آن دوران بانک‌های محدودی که با ما رابطه داشتند به دلخواه خود روابط خود را تنظیم می‌کردند و تعرفه‌های سنگینی را بابت ارائه خدمات به مشتریان ایرانی تحمیل کردند که بعضاً از مرز ۱۰ درصد عبور می‌کرد. به اعتقاد وی اگر تحریم‌ها ادامه می‌یافت ناچار بودیم که بار دیگر سیستم توزیع کوپنی اول انقلاب را در کشور پیاده کنیم.

مالی بین‌المللی ایران بیاورد؟ آیا به مسیر خطرناک تری از آنچه داشتیم وارد می‌شدیم؟

پیش از برجام، روابط کارگزاری ما محدود به چند کشور انگشت شمار بود. در آن زمان این کشورها از ایران نفت می‌خریدند و وجه آن را به ارز ملی خود به حساب‌های ما واریز می‌کردند؛ قاعدتاً واردات ما نیز محدود به کالاهای ساخت آن کشورها بود و ما با کاهش ۲۰ درصدی صادرات نفتی در هر شش ماه یک بار مواجه بودیم، که طبیعتاً نتیجه آن کاهش درآمدهای ارزی بود. در سال ۱۳۹۲ که مسئولیت بانک مرکزی را به عهده گرفتم قیمت هر بشکه نفت بالای ۱۰۰ دلار بود اما ارز کافی و در دسترس برای پرداخت بهای واردات کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و حساس و ضروری در اختیار نداشتیم، ده‌ها کشتی مملو از کالاهای اساسی در بندرگاه‌ها منتظر تخصیص ارز بودند. صف انتظار برای تخصیص ارز به شش ماه می‌رسید. هزینه معطلی (دموراز) کشتی‌هایی که کشور تحمیل می‌شد، کالاهای بعضاً فاسد می‌شد و حتی گزارش داشتیم که چندین کشتی آتش گرفته و سوخته‌اند. می‌توان گفت که مجموعه قوای مقننه و مجریه روزانه وقت بسیاری را صرف تخصیص ارز برای این واردات می‌کردند. اگر تحریم‌ها ادامه می‌یافت و صادرات نفت قطع می‌شد چاره‌ای جز برقراری مجدد مکانیسم توزیع کوپنی که در اوایل انقلاب مورد استفاده قرار گرفت نداشتیم. افت کیفیت دارو و تجهیزات درمانی در دولت قبل و در اوج افزایش قیمت نفت را تجربه کردیم با قطع درآمدهای نفتی می‌توانستیم افت هر چه بیشتر کیفیت درمان را در کشور شاهد باشیم.

بجز در یک کشور که دوبانک را برای ارائه خدمات بانکی به ایران تعیین کرده بودند در کشورهای دیگر هر کدام فقط

● یکی از مسائلی که به صورت روشن در خصوص ابعاد آن توضیحاتی داده نشد، هزینه‌های نقل و انتقالات پولی مادر دوران تحریم‌ها بود. مسائلی که مادر این خصوص گرفتار آن بودیم، اقتصاد کشور را نیز متأثر کرده بود. به صورت مصداقی اگر به چند نمونه از این مشکلات و افزایش هزینه‌ها اشاره کنید شاید برای مردم ملموس‌تر باشد. همچنین بفرمایید در این دوران نقل و انتقال از چه طرقی انجام می‌شد؟

در دوران تحریم استفاده از اعتبارات اسنادی که مطمئن‌ترین ابزار برای پرداخت وجه کالاهای وارداتی و صادراتی است محدود شد، استفاده از بروات اسنادی هم تقریباً منسوخ شد و حواله وجه، جای این ابزارها را گرفت و ریسک بالایی را بر واردکنندگان تحمیل کرد و آنها را در تعامل با فروشندگان کالاها در موضع نابرابر قرار داد؛ صراف‌ها در زمینه نقل و انتقال ارز فعال شدند و به این ترتیب معاملات ارزی از کنترل خارج شد و شفافیت خود را از دست داد. در نتیجه قیمت تمام شده کالاهای وارداتی افزایش یافت و خسارات سنگینی را بر واردکنندگان تحمیل کرد. بانک‌های کارگزار در شرایط انحصاری پیش آمده از تعرفه‌های متعارف بانکی خارج شدند و مبالغ هنگفتی را بابت ارائه خدمات به مشتریان ایرانی تحمیل کردند؛ حسب گزارش‌های واصله در مواردی این هزینه‌ها از مرز ۱۰ درصد نیز عبور کرد.

● در بیان یک دور نما بفرمایید که اگر برجام اتفاق نمی‌افتاد، حرکت و روند کلی حوزه بانکی و مخصوصاً بانک مرکزی ایران به چه سمت و سویی کشیده می‌شد؟ به صورت واضح ادامه تحریم‌ها قرار بود چه بر سر ارتباطات



در سال ۱۳۹۲ که مسئولیت بانک مرکزی را به عهده گرفتم قیمت هر بشکه نفت بالای ۱۰۰ دلار بود اما ارز کافی و در دسترس برای پرداخت بهای واردات کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و حساس و ضروری در اختیار نداشتیم، ده‌ها کشتی مملو از کالاهای اساسی در بندرگاه‌ها منتظر تخصیص ارز بودند. صف انتظار برای تخصیص ارز به شش ماه هم می‌رسید. کالاهای بعضاً فاسد می‌شد و حتی گزارش داشتیم که چندین کشتی آتش گرفته و سوخته‌اند

ایران

■ دوشنبه

۲۷ دی ماه ۱۳۹۵